

A qualitative inquiry of effective factors on marital burnout: A case study of Tehran

Received: 5 - 1 - 2020

Accepted: 12 - 3 - 2020

Jamaleddin faraji	PhD Student in Psychology, Department of Psychology, Faculty of Human science, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran
Bagher Sanai bsanai@yahoo.com	PhD, Retired, Counseling Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Karaj, Iran (Corresponding Author)
Hooman Namvar	PhD, Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran

Abstract

Today official divorce statistics do not fully indicate failure the spouses in their marital life because of the larger, but undiscovered, number of emotional divorces. One of the disadvantage of life is marital burnout which leads to emotional separation if left untreated. Therefore, the present study was conducted to identify the effective factors on marital burnout, which is one of the factors that increasing divorce in society. This study was conducted using qualitative method with emphasis on phenomenological approach. The study population consisted of all married men and women residing in Tehran and the purposeful sampling was done among those with marital burnout who referred to counseling clinic. Data collection was done through semi-structured interviews and data analysis was done based on data theory. Finally, 227 open codes, 21 concepts and 4 main categories were obtained. The main themes in this study included adverse communication characteristics, personality problems, exacerbation factors, and involvement with adverse outcomes of marital burnout that each of them also included some concepts. The findings indicated that the individual, relationship and family dimensions were involved in the formation of this phenomenon in marital relationships and the main focus of the research findings was "lack of affection and care in the relationship". Overall, the results showed that marital burnout is a process that has bad consequences in the physical, psycho-emotional, and social contexts and recommended that counselors and psychologists take more action on marital burnout and its growth factors.

Key words: *couples, marital burnout, qualitative research*

citation

Faraji, J., Sanai, Bagher., Namvar, Hooman. (2020). A Qualitative Study of Factors Affecting Marital Burnout: A Case Study of big Tehran. *Family Counseling and Psychotherapy*, 2, 172-194.

تفحص کیفی در عوامل مؤثر بر بی‌رمقی زناشویی: مطالعه موردی شهر تهران

پذیرش: ۱۳۹۸-۱۲-۲۲

دریافت: ۱۳۹۸-۱۰-۱۵

دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

جمال‌الدین فرجی

دکترای تخصصی، استاد بازنشسته، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)

باقر ثنائی

bsanai@yahoo.com

دکترای تخصصی، استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

هومن نامور

چکیده

امروزه آمار رسمی طلاق به‌طور کامل نشان‌دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست؛ زیرا در کنار آن آمار بزرگ‌تر، اما کشف نشده به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد. یکی از نابسامانی‌های زندگی، بی‌رمقی زناشویی است که اگر به‌موقع به آن رسیدگی نشود زوجین را به سمت جدایی عاطفی سوق می‌دهد؛ بنابراین پژوهش حاضر به هدف شناسایی عوامل مؤثر بر بی‌رمقی زناشویی که یکی از دلایل مؤثر بر افزایش طلاق در جامعه است، انجام شد. این پژوهش با استفاده از روش کیفی و با تأکید بر رویکرد پدیدارشناسانه صورت گرفته است. جامعه پژوهش شامل کلیه زنان و مردان متأهل ساکن شهر تهران بود و نمونه‌گیری به روش هدفمند از بین افراد با تجربه بی‌رمقی زناشویی که به کلینیک مشاوره مراجعه کرده بودند، صورت گرفت. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته بود و تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس نظریه داده بنیاد انجام شد و نهایتاً ۲۲۷ کد باز، ۲۱ مفهوم و ۴ مقوله به دست آمد. مقولات اصلی به‌دست‌آمده در این پژوهش دربرگیرنده ویژگی‌های ارتباطی نامطلوب، مشکلات شخصیتی، عوامل تشدیدکننده و درگیری با پیامدهای نامطلوب بی‌رمقی زناشویی بود که هرکدام از آن‌ها شامل مفاهیمی نیز می‌شدند. برآیند یافته‌ها حاکی از درگیر بودن ابعاد فردی، ارتباطی و خانوادگی در شکل‌گیری این پدیده در روابط زناشویی بود و مقوله محوری یافته‌های پژوهش «عدم مهرورزی مستمر و مراقبت از رابطه» بود. به‌طور کلی نتایج نشان داد که بی‌رمقی زناشویی فرآیندی است که پیامدهای ناگواری در زمینه جسمی، روانی-عاطفی و اجتماعی دارد و پیشنهاد می‌شود که مشاوران و روانشناسان بیش‌ازپیش بر روی بی‌رمقی زناشویی و عوامل رشد‌دهنده آن اقداماتی انجام دهند.

واژگان کلیدی: زوجین، بی‌رمقی زناشویی، پژوهش کیفی

فرجی، جمال‌الدین؛ ثنائی، باقر؛ نامور، هومن. (۱۳۹۸). مطالعه کیفی عوامل مؤثر بر بی‌رمقی زناشویی:

مطالعه موردی تهران بزرگ. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲، ۱۹۴-۱۷۳.

ارجاع

مقدمه

ازدواج واقع‌های اجتماعی، زیستی و فرهنگی است و به دلیل نقش بنیادین آن در تشکیل خانواده از اهمیت بسزایی برخوردار است (کشاورز افشار، گراوند و احمدی، ۱۳۹۲). یکی از مشکلات اساسی و واقعی امروز این است که بسیاری، روابط زناشویی را تقریباً یا به‌طور کامل بر عشق بنا می‌کنند و آن وقت تقاضاهای متعددی بر آن تحمیل می‌شود که عشق به‌تنهایی از عهده آن بر نمی‌آید. گاهی اوقات ازدواج نمی‌تواند به همه نیازهای فرد پاسخ دهد و ازدواجی که با شور و علاقه شروع شده به خشم، نفرت، تنهایی و نهایتاً طلاق می‌انجامد (پاداش، ۱۳۹۱). وضعیت نامساعد اقتصادی، عدم رضایت از مسائل جنسی، مشکلات روان‌شناختی زوجین و داشتن تصورات خیالی و کمال‌گرایانه از زندگی مشترک، در سازش با وظایف و مسئولیت‌های زندگی زناشویی اختلال ایجاد می‌کند و منجر به ناسازگاری می‌شود (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۶). همچنین تعارض زمانی رخ می‌دهد که معانی ذهنی و انتظارات فرد از موقعیت (ابدئال) انطباق کافی با تجربه او در موقعیت یادشده (واقعیت) نداشته باشد (Willoughby, 2013).

هنگامی که توقعات عاشقانه محقق نشود، احساس ناکامی و سرخوردگی به‌طور مستقیم به همسر نسبت داده می‌شود و سبب تحلیل رفتن عشق و تعهد می‌گردد و بی‌رمقی^۱ و سرخوردگی^۲ جای عشق را می‌گیرد (Pines, 2004). در واقع افرادی به بی‌رمقی زناشویی دچار می‌شوند که انتظار داشته‌اند عشق رمانتیک به زندگی‌شان معنا دهد، وقتی افراد ببینند علی‌رغم تلاش‌هایشان، روابط صمیمانه‌شان برای زندگی آن‌ها معنا نمی‌سازد، دچار بی‌رمقی می‌شوند (Fellows, Chiu, Hill, Hawkins, 2016). همچنین یکی دیگر از نشانه‌ها فقدان پذیرش بدون قید و شرط یکدیگر، فقدان توجه به قابلیت‌های یکدیگر و فقدان احترام نسبت به یکدیگر است (Neff & Geers, 2013).

از آنجا که بی‌رمقی زناشویی^۳ کاهش عشق و علاقه و افزایش رفتار خصمانه را به دنبال دارد می‌تواند به نارضایتی زناشویی منجر شده و بنیان خانواده را متزلزل سازد (Huston, 2009). اولین فردی که بی‌رمقی را به حوزه‌های غیر شغلی و سایر جنبه‌های زندگی تعمیم داد و اولین بار کلمه بی‌رمقی زناشویی را مطرح نمود، بی‌رمقی را به‌عنوان یک حالت خستگی جسمی، عاطفی و ذهنی می‌داند که در شرایط طولانی مدت همراه با مطالبات عاطفی ایجاد می‌شود (Pines, 1998). در این تعریف بی‌رمقی جسمی با کاهش انرژی، خستگی مزمن، ضعف و تنوع وسیعی از شکایت‌های جسمی و روان‌تنی مشخص می‌شود. درحالی‌که خستگی عاطفی، شامل احساسات درماندگی، ناامیدی و فریب می‌شود، خستگی روانی به رشد نگرش منفی نسبت به

-
1. Burnout
 2. Disaffection
 3. Couple burnout

خود، کار و زندگی برمی گردد (شاداب، ۱۳۹۴).

محققان بی‌رمقی را از پا افتادن جسمی، عاطفی و روانی می‌دانند که ناشی از عدم تناسب بین توقعات و واقعیات است (Lingern, 2003). بی‌رمقی به علت ناکامی در عشق بروز می‌کند و پاسخی است در برابر مسائل وجودی (Lavner, Karney, Bradbury, 2016). متغیرهای تشدیدکننده بی‌رمقی زناشویی شامل بار مسئولیت اضافی، مطالبات متناقض و تعهدات خانوادگی است که هر سه وجه اشتراک مهمی دارند: هر سه بیانگر ناکامی در برابر انجام «باید»ها، برآورده کردن توقعات و معیارها هستند و سبب تخلیه انرژی می‌شوند (Pines, Neal, Hammer, Ickson, 2011).

امروزه شیوع بی‌رمقی زناشویی بیشتر شده است. به طوری که ۵۰ درصد از زوجها در ازدواج خود با بی‌رمقی زناشویی مواجه می‌شوند. در این باب که عوامل بی‌رمقی چیست و آیا ممکن است ارتباط زوج-هایی که دچار بی‌رمقی شده‌اند را به ارتباطی عاشقانه و کارآمد تبدیل کرد، تحقیقات انجام شده به عواملی چند اشاره کرده‌اند که در این زمینه می‌توان به تصورات رؤیایی از عشق، عدم توانایی حل تعارضات زناشویی و اثرات زیان‌بار آن بر سلامت فیزیکی و عاطفی زوجین اشاره کرد (عبادت پور، نوابی نژاد، شفیع آبادی، فلسفی نژاد، ۱۳۹۲).

شناسایی عوامل مؤثر بر بی‌رمقی زناشویی، زوجها را از سردرگمی نجات داده و راه سالم زیستن را به آن‌ها نشان خواهد داد. اهمیت و ضرورت این تحقیق آنجا مشخص می‌شود که برای کاهش پیامدهای ناگوار بتوان راه حل مناسبی ارائه داد تا تبعات آسیب‌های روانی و اجتماعی را کاهش دهد. چراکه بی‌رمقی زناشویی و طلاق عاطفی به مراتب زیان بیشتری نسبت به طلاق قانونی برای افراد خانواده و به تبع آن جامعه دارد (زهره کار، ۱۳۹۸). در اغلب مطالعات انجام گرفته در حوزه مسائل خانواده، سعی بر این بوده است که مسئله تعارض زناشویی یا گسست زناشویی به عنوان یک متغیر وابسته در نظر گرفته شود و تأثیر یک دسته از عوامل، به عنوان متغیرهای مستقل، بر بروز یا تداوم این مسئله مورد بررسی قرار گیرد (جهانی دولت آبادی، ۱۳۹۶). اکثر پژوهش‌های انجام شده در کشور به روش کمی بوده و صرفاً به رابطه بین دو یا چند متغیر اکتفا شده است؛ اما مطالعاتی که به صورت کیفی به بررسی عمیق عوامل مؤثر بر ایجاد این پدیده در روابط زناشویی پرداخته باشند، کم‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت یک شکاف پژوهشی در این راستا کاملاً احساس می‌شود.

ضرورت پژوهش در مورد شاخه‌هایی که بر بی‌رمقی زناشویی دخیل‌اند و به نارضایتی و ناپایداری بیشتر ازدواج می‌انجامند بیش از پیش احساس گردیده و به انگیزه‌ای برای پژوهشگر جهت یافتن این عوامل تبدیل شده است. با توجه به توضیحات و مسائل تبیین شده در زمینه‌های فوق، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال کلی است که عوامل مؤثر بر بی‌رمقی زناشویی کدام‌اند؟ و اینکه چه مؤلفه‌ها و ابعادی فرآیند بی‌رمقی زناشویی را در زوجین تسریع می‌بخشد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر بی‌رمقی زناشویی، با رویکرد کیفی^۱ انجام و به روش نظریه زمینه‌ای^۲ تحلیل شده است. با توجه به هدف پژوهش، از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند و ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته برای به دست آوردن داده‌ها استفاده شد. جامعه پژوهش کلیه زنان و مردان متأهل ساکن شهر تهران بود. از آنجاکه هدف پژوهشگر مصاحبه با افراد متأهل دارای بی‌رمقی زناشویی بود، تنها کسانی برای مصاحبه انتخاب شدند که معیارهای ورود به مطالعه را کسب کردند. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بودند از: (۱) داشتن حداقل پنج سال تجربه زندگی مشترک با همسر (۲) گرفتن نمره بالا در مقیاس بی‌رمقی زناشویی پاینز (دو انحراف معیار بالاتر از میانگین) که نشانگر تفاوت فاحش نمرات این افراد در بی‌رمقی زناشویی نسبت به جمعیت نرمال بود (دلاور، ۱۳۹۸).

ابزارها

پرسشنامه پاینز^۳: این پرسشنامه توسط Pines (1996) با هدف اندازه‌گیری درجه بی‌رمقی زناشویی در بین زوجین طراحی شده است. شامل ۲۱ ماده است که سه مؤلفه از پافتادگی جسمی (خستگی، سستی و اختلال خواب) از پافتادگی عاطفی (افسردگی، ناامیدی و در دام افتادن) و از پافتادگی روانی (بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم نسبت به همسر) را می‌سنجد. نمره بالاتر آزمودنی در این مقیاس، نشانه بی‌رمقی بیشتر است. در پژوهش‌های دیگر نیز، ضریب پایایی مقیاس با روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین ۰/۸۴ تا ۰/۹۰ محاسبه شده است. روایی این مقیاس به وسیله محاسبه همبستگی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت مانند نظر مثبت در مورد یک رابطه، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خودشکوفایی، احساس هدفمندی، کشش و جاذبه عاطفی نسبت به همسر و کیفیت رابطه جنسی با همسر، به‌طور معنی‌داری گزارش شده است. این مقیاس به‌صورت موفقیت‌آمیزی در مطالعات مختلف در کشورهای نروژ، مجارستان، فنلاند، اسپانیا، پرغال و مکزیک مورد استفاده قرار گرفته شده است (Sirin, Deniz, 2016). نعیم (۱۳۸۷) در پژوهش خود، پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تصنیف به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۲ محاسبه نموده است. نویدی (۱۳۸۴) به‌منظور محاسبه پایایی، پرسشنامه مذکور را روی نمونه ۲۴۰ نفری اجرا کرد و ضریب پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶ کرده است. در پژوهشی برای به دست آوردن روایی این آزمون را با پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ همبسته کردند که ضریب همبستگی بین این دو پرسشنامه ۰/۴۰- به دست آمد که در سطح $P < 0/001$ معنادار است (دهقانی،

-
1. Qualitative
 2. Grounded theory
 3. Pines Scale

۱۳۹۰). همان‌طور که مشاهده می‌شود این پرسشنامه از همسانی درونی و ضریب پایایی بالا و رضایت‌بخشی برخوردار است و جهت اندازه‌گیری میزان بی‌رمقی، ابزار مناسبی است.

مصاحبه نیمه ساختاریافته: مصاحبه نیمه ساختاریافته روشی است که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت. به این شکل که پس از انجام چند مصاحبه مقدماتی، سؤالاتی استخراج شد و در مصاحبه اصلی اول مورد استفاده قرار گرفت. پس از تحلیل اولین مصاحبه، این سؤالات و مفاهیم جای خود را به مفاهیمی داد که از داده‌ها استخراج می‌شدند و مبنای گردآوری داده‌ها در مرحله بعد شدند (استراوس و کرین، ترجمه افشار، ۱۳۹۱).

شیوه اجرای پژوهش

در مرحله اجرا پژوهشگر شهر تهران را به چهار ناحیه شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم کرده و از هر ناحیه چند نفر، به صورت هدفمند، انتخاب شد. هدف از این کار، این بود که احتمال حضور همه اقشار مختلف شهر تهران (اعم از اقشار کم‌درآمد و پردرآمد، سطوح تحصیلی بالا و پایین، دیدگاه‌های اجتماعی متفاوت و...) در نمونه افزایش یابد. پژوهشگر به این مناطق مراجعه کرده و از بین افرادی که مایل به همکاری بودند (زن یا مرد) در صورت برخورداری از معیارهای ورود، آن‌ها را به مصاحبه دعوت کرد. محل مصاحبه‌ها در یکی از کلینیک‌های مشاوره بود؛ بنابراین نمونه این پژوهش (با توجه به اصل اشباع یافته‌ها) تعداد ۲۰ نفر از زنان و مردان متأهل در تهران بودند که به صورت داوطلبانه در این پژوهش شرکت نمودند. کار جمع‌آوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری^۱ دنبال شد. سپس کار کدگذاری داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی بر اساس نظریه داده‌بنیاد صورت گرفت. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد^۲ (معادل اعتبار و روایی در تحقیقات کمی)، اقداماتی به شرح زیر صورت گرفت. روش‌های مختلفی برای بررسی روایی داده‌ها در پژوهش داده‌بنیاد معرفی شده‌اند که سه‌سوسازی^۳، تحلیل موارد خلاف^۴ و آزمون فرضیه‌های رقیب از آن جمله‌اند (استراوس و کرین، 1998). در پژوهش حاضر به‌منظور بررسی روایی داده‌های کیفی از دو روش تائید مجدد داده‌های به‌دست‌آمده توسط مصاحبه‌شوندگان، تائید روایی داده‌ها توسط متخصصان و کدگذاری مجدد مصاحبه‌ها توسط دو نفر داور استفاده شد. الف: تائید مجدد داده‌های به‌دست‌آمده توسط مصاحبه‌شوندگان: در این مرحله، پژوهشگر مصاحبه‌های پیاده شده روی کاغذ را یک‌بار دیگر در اختیار مصاحبه‌شونده‌ها قرار داده و آن‌ها مطالب گفته‌شده را تائید نمودند. ب: تائید روایی داده‌ها توسط متخصصان و کدگذاری مجدد مصاحبه‌ها توسط دو نفر داور: پس از تحلیل‌های اولیه، دو نفر از متخصصان به‌عنوان داور، به کدگذاری بخشی از مصاحبه‌ها پرداخته و توافق نهایی در مورد شیوه

-
1. Theoretical saturation
 2. Trustworthiness
 3. triangulation
 4. negative case analysis

کدگذاری حاصل شد (با محاسبه ضریب توافق کپا). همچنین کدهای به‌دست‌آمده توسط گروهی (۲ نفر از متخصصان رشته‌های مشاوره و روانشناسی) از متخصصان مورد تأیید قرار گرفت.

ملاحظات اخلاقی

اطلاع مشارکت‌کنندگان از اهداف پژوهش، مشارکت داوطلبانه، رضایت کامل و آگاهانه مشارکت‌کنندگان و رعایت اصول اخلاقی مصاحبه شامل رازداری نتایج و تأکید بر حفظ اطلاعات اشخاص از جمله ملاحظات اخلاقی بود که مورد توجه پژوهشگر قرار گرفت.

یافته‌ها

گروه نمونه شامل ۱۲ زن و ۸ مرد بود. میانگین سنی گروه نمونه ۳۸ سال بوده و میانگین تعداد سال‌های زندگی مشترک در افراد گروه نمونه ۱۲ سال است. گروه نمونه از جهت میزان سواد متنوع بوده و دیپلم تا سطح دکتری را شامل می‌شدند و زوجین در این گروه عموماً به لحاظ میزان سواد در یک سطح قرار داشتند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از شرکت‌کنندگان در خصوص بررسی عوامل موثر بر بی‌رمقی زناشویی منجر به استخراج ۲۲۷ کد باز شد که پس از تحلیل نهایی به ۲۱ مفهوم و ۴ مقوله اصلی تقسیم شدند. مقولات اصلی شامل ویژگی‌های ارتباطی نامطلوب، مشکلات شخصیتی، عوامل تشدیدکننده و درگیری با پیامدهای نامطلوب بی‌رمقی زناشویی است که در ادامه به تفصیل و به همراه زیر مقولات مرتبط، بیان شده‌اند.

الف) ویژگی‌های ارتباطی نامطلوب

مقوله محوری به ویژگی‌های ارتباطی نامناسب به مثابه عامل بی‌رمقی زناشویی در ابعاد مختلف می‌پردازد. مقولات مربوط به این حوزه در چند مفهوم دسته‌بندی می‌شوند که شامل موارد زیر است:

مفاهیمی شامل بعد احساسی، روابط کلامی، تفاهم، همکاری و قدرشناسی، اعتماد و تعهد، هدف و برنامه مشترک، نحوه مدیریت تعارضات، حفظ استقلال خانواده می‌شود.

رابطه عاطفی مابین زوج‌هایی که از بی‌رمقی زناشویی رنج می‌برند، به دلیل عدم ابراز احساسات نسبت به هم و کمبود توجهی که از سمت هم‌حس می‌کنند به‌مرور زمان دستخوش تغییر می‌شود، به گونه‌ای که احساس تنفر، کینه، عدم دلسوزی نسبت به هم و ترس از یکدیگر جایگزین محبت و علاقه اولیه می‌شود.

۱- بعد احساسی. زوج‌های درگیر با بی‌رمقی زناشویی، در بعد احساسی به مواردی نظیر کمتر شدن عشق و علاقه نسبت به هم و حتی در بعضی موارد داشتن احساس تنفر نسبت به همسر اشاره کردند. عدم ابراز احساسات و محبت به یکدیگر از شکایات شایع این افراد نسبت به هم بود. مصاحبه‌شونده شماره ۱۹ در این زمینه می‌گوید: «الآن در حال حاضر هیچ‌گونه رابطه صمیمی و نزدیکی بین ما حاکم نیست. بعضی

وقتا حس تنفر داریم نسبت به هم، چه برسه به صمیمیت... هیچ میل خاصی برای ادامه زندگی با ایشون ندارم...».

۲- روابط کلامی. روابط کلامی زوج‌های درگیر بی‌رمقی زناشویی، فاقد محبت کلامی بوده و بیشتر به صحبت در رابطه با مسائل روزمره ختم می‌شود. عموماً ارتباطات کلامی این زوجین به بحث و مشاجره ختم شده و همراه با توهین، سرزنش، بی‌احترامی و بی‌توجهی نسبت به صحبت‌های یکدیگر است. همچنین روابط کلامی این زوجین در اجتماع نیز مملو از ظاهرسازی است. مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این زمینه می‌گوید: «رابطه کلامی ما به‌زور ۴-۵ جمله در طول روزه. اونم بیشتر از هم می‌پرسیم چه خبر؟ چون آگه وارد یه سری جریانات بشیم به جروب‌بحث ختم میشه. به همین خاطر به نفع جفت‌مونه که زیاد با هم حرف نزنیم این جورری ته مونده احترامی که باقی مونده سر جاش می‌مونه و تنش کمتری داریم».

۳- تفاهم. زوج‌های درگیر بی‌رمقی زناشویی، اغلب در بسیاری از زمینه‌ها از جمله سیاسی، مذهبی، تربیت فرزندان، مسائل شغلی و سبک زندگی با هم اختلاف نظر دارند. آن‌ها همچنین به تفاوت‌های یکدیگر احترام نگذاشته و یکدیگر را غیرمنطقی دانسته و به عقاید و ارزش‌های یکدیگر توهین می‌کنند یا درصدد تغییر افکار یکدیگر هستند. مصاحبه‌شونده شماره ۳ در این زمینه می‌گوید: «من و همسر من در زمینه باورهای مذهبی اختلاف زیادی داریم من خیلی مذهبی برعکس ایشون. در رابطه با مسائل دینی و اعتقادات جروب‌بحث زیادی داشتیم... برای تربیت بچه‌ها هم یه جاهایی گیر می‌ده که لوسشون نکن و بنده خودشون این کار رو بکنند ولی من کار خودم رو می‌کردم».

۴- همکاری و قدرشناسی. همکاری و قدردانی در بین زوج‌های موردبحث، بسیار کم‌رنگ است. این زوج‌ها عموماً در تربیت فرزندان یا کارهای منزل با هم همکاری نمی‌کنند و محبت‌های یکدیگر را وظیفه دانسته و احترام و قدردانی متقابلی نسبت به یکدیگر ندارند. مصاحبه‌شونده شماره ۳ در این زمینه می‌گوید: «متأسفانه همسر من کارهای من رو اصلاً نمی‌بینه. کاملاً بی‌توجه و سطحی رفتار میکنه. انگار این کارها وظیفه‌اس و باید انجام بشه... اصلاً حوصله همکاری در کارهای خونه رو هم نداره. یه لیوان آب رو جابجا نمیکه چه برسه به اینکه کمک هم بکنه».

۵- اعتماد و تعهد. اعتماد و تعهد در بین زوج‌های درگیر بی‌رمقی زناشویی اندک است. این‌گونه زوج‌ها یا نسبت به هم مرتکب خیانت شده‌اند و یا به دلیل عدم صداقتی که در رابطه‌شان حس کرده‌اند، نسبت به هم بدبین و بی‌اعتماد هستند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ در این زمینه می‌گوید: «من اصلاً به شوهرم هیچ

اعتمادی ندارم. مطمئنم که تا الآن هم بهم کلی خیانت کرده. حتی بعضی وقتا نشونه‌هاش رو هم میبینم ولی تا به حال بازش نکردم چون محاله قبول کنه. اوضاع خرابتر هم میشه»

۶- **هدف و برنامه مشترک.** زوج‌های درگیر بی‌رمقی زناشویی، عموماً هدف مشترکی در زندگی نداشته یا اهداف مشترکشان به آینده فرزندانشان ختم می‌شود. آن‌ها اغلب اهداف فردی‌شان را نیز به فراموشی سپرده و برای خود و زندگی‌شان چشم‌اندازی متصور نیستند. همچنین این زوجین برنامه‌های مشترک خاصی با هم ندارند و ترجیح می‌دهند اوقات فراغت خود را با دوستانشان بگذرانند و یا به امورات شخصی بپردازند. آن‌ها در کنار هم بودن را عاملی برای بروز اختلافات بیشتر می‌دانند. مصاحبه‌شونده شماره ۶ در این زمینه می‌گوید: «اوقات فراغت همسرم که فقط روزای تعطیله که جدیداً کار خاصی نداره، نه مسافرت میریم و نه برنامه‌ای داریم. اوقات فراغت منم با کتاب خوندن و وقت گذروندن با بچه‌ها سپری میشه... چون نگرشمون به اکثر مسائل متفاوته، هدفهامونم با هم متفاوته و هدف مشترک نداریم».

۷- **نحوه مدیریت تعارضات و اختلافات.** زوج‌های درگیر بی‌رمقی زناشویی، در نحوه مدیریت تعارضات بسیار دچار مشکل بوده و برخوردشان هنگام بروز اختلاف، سرشار از مقایسه کردن یکدیگر با دیگران، سرزنش، توهین، یادآوری اختلافات گذشته، مقابله به مثل، قهر طولانی مدت، لجبازی و یا خودخوری و عدم اعتراض برای بدتر نشدن اوضاع و درگیری است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۶ در این زمینه می‌گوید: «برواز زناشویی مردم یاد بگیر و برواز مردای مردم یاد بگیر که چند در خدمت زناشونن دو تا جمله کلیشه‌ای توی خونه ماست که خیلی‌ام کاربرد دارن. اصلاً بلد نیستیم مشکلات رو حل کنیم و همش رو مسائل سرپوش میزاریم».

۸- **حفظ استقلال خانواده.** زوج‌های درگیر بی‌رمقی زناشویی، اغلب به دیگران اجازه دخالت در زندگی خود را می‌دهند و مشکلات زناشویی یا عیوب همسر خود را در جمع دیگران به راحتی مطرح می‌کنند. در این گونه روابط زناشویی عموماً هر دو یا یکی از زوجین شخصیت وابسته‌ای داشته و به شدت تحت تأثیر خانواده خود هستند. مصاحبه‌شونده شماره ۳ در این زمینه می‌گوید: «تمام مسائل خونه مارو همه اقوام میدونن و هرچی توی خانواده ما اتفاق افتاده، دیگران ازش اطلاع دارن. اصلاً زندگی مستقلی نداریم».

۹- **حمایت و مراقبت.** حمایت و مراقبت در بین زوج‌هایی که دچار بی‌رمقی زناشویی هستند، بسیار کم به چشم می‌خورد. این زوج‌ها معمولاً فقط در زمانی که خودشان صلاح بدانند از یکدیگر حمایت می‌کنند

و در موارد دیگر گاهی حتی برخلاف خواست همسرشان عمل کرده و به هم ضربه می‌زنند. آن‌ها عموماً نسبت به خواسته‌های یکدیگر بی‌توجه بوده و بر این باورند که حمایت همه‌جانبه از همسر به صلاح رابطه نبوده و نتیجه خوبی نخواهد داشت. مصاحبه‌شونده شماره ۳ در این زمینه می‌گوید: «همسر زیاد اهل حمایت کردن نیست، یکی باید حامی خودش باشه. اون اوایل بیشتر پشت من بود ولی الان نه! بجای حمایت کردن گوش بزنگه تا حرفی، کاری، چیزی از من بینه و شروع کنه به سرزنش و توییح».

۱۰- روابط جنسی. زوج‌های درگیر بی‌رمقی زناشویی، روابط جنسی بسیار ضعیفی دارند. آن‌ها به ندرت و با فواصل زمانی طولانی رابطه جنسی برقرار می‌کنند و حتی گاهی جدا از هم می‌خوابند. بی‌توجهی به نیازهای طرف مقابل، اختلاف نظر در چگونگی رابطه جنسی و عدم توجه به زیبایی ظاهری از جمله مشکلات این زوجین در رابطه جنسی‌شان است. مصاحبه‌شونده شماره ۲ در این زمینه می‌گوید: «رابطه جنسی بسیار بدی داریم و اصلاً هیچ‌گونه رمقی واسه رابطه جنسی نداریم».

ب) مشکلات شخصیتی

مقولات مربوط به ویژگی‌های شخصیتی در پنج بعد مسئولیت‌پذیری، اعتمادبه‌نفس، روان رنجوری، انعطاف‌پذیری و خوشنودی دسته‌بندی می‌شوند.

۱- مسئولیت‌پذیری. عدم مسئولیت‌پذیری در هر دو یا یکی از زوجین درگیر بی‌رمقی زناشویی، عموماً به چشم می‌خورد. این زوجین مسائل و مشکلات بوجود آمده را دست‌آویز و بهانه‌ای برای انجام ندادن وظایف خود می‌دانند. عموماً بی‌نظمی، تعویق در انجام وظایف، بی‌توجهی به فرزندان از جمله مواردی هستند که در این روابط به چشم می‌خورند. مصاحبه‌شونده شماره ۲۰ در این زمینه می‌گوید: «همسر من آدم بی‌مسئولیه، یه آدم تنبل که وظیفه‌هاش رو نمیدونه. بیکاری و علافی و یللی تللی شده کل زندگیش... ایشون اصلاً احساس مسئولیت نداره نه در برابر من و نه در برابر بچه‌هاش».

۲- اعتمادبه‌نفس. زوجین درگیر بی‌رمقی زناشویی، از اعتمادبه‌نفس مطلوبی برخوردار نیستند. آن‌ها یا به شدت خودشیفته هستند و یا وابسته بوده و به تأیید دیگران بسیار اهمیت می‌دهند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ در این زمینه می‌گوید: «واسه هیچ‌کاری خودش تنها قدمی برنمیداره. همش منتظره یه نفر کاراشو تأیید کنه بعد شروع کنه!».

۳- روان رنجوری. ویژگی‌های غیرقابل پیش‌بینی، تحریک‌پذیری بیش‌ازحد، زودرنج بودن، زود قهر کردن و دیر آشتی کردن در هر دو یا یکی از زوجین درگیر بی‌رمقی زناشویی به وضوح قابل مشاهده است. مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این زمینه می‌گوید: «همسر من وقتی عصبانی میشه تا مرز جنون پیش میره و چشمش رو می‌بنده و مهم نیس جلوش کی وایستاده، وقتی هم خوبه آدم دلش میخواد جونش رو براش».

نداره.... اصلاً یکی از مشکلات مهم ما همین مودی بودن و عدم کنترل بر رفتاراشه... کار منم اینه که یکسره ایشون و رفتارهای زنده و تندش رو تحمل کنم».

۴- **انعطاف‌پذیری**. زوجین موردبخت، از انعطاف‌پذیری بسیار پائینی برخوردارند. هر دو یا یکی از آنها معمولاً بشدت سختگیر و کمال طلب بوده و براحتی پذیرای تغییر نیستند. عدم مراجعه به روانشناس یا مشاور نیز یکی از نشانه‌های عدم انعطاف‌پذیری آنهاست. مصاحبه‌شونده شماره ۲ در این زمینه می‌گوید: «همسرم اصلاً آدم منطقی و خوش فکری نیست. حرف، حرف خودش. از نظر ایشون حرف بیار باید زده بشه و تغییر نمیکنه».

۵- **خوش‌بینی**. بدینی در زوجین درگیر بی‌رmqی زناشوی، عموماً به چشم می‌خورد. منفی‌نگری، امید به زندگی کم، ناامیدی نسبت به بهبود اوضاع از جمله ویژگی‌های این زوجین است. مصاحبه‌شونده شماره ۸ در این زمینه می‌گوید: خانومم حتی تو مسائل کاریمم دخالت میکنه و نظرات منفی داره. اینقدر منفی می‌بافه که دید منم نسبت به کارم عوض شده و احساس خوب قبلی رو ندارم...بعید میدونم با این اوضاع رابطه مون بهتر بشه چون هر روز ارتباط ما داره بد و بدتر میشه».

ج) عوامل تشدیدکننده

در ارتباط با مقوله شرایط واسطه‌ای و تأثیرگذار دو مورد شرایط شغلی یا مسائل مالی و سبک ازدواج از جمله مواردی بودند که به آنها اشاره شده‌بود.

۱- **شرایط شغلی یا مسائل مالی**. همان‌طور که گفته‌شد، زوج‌های درگیر بی‌رmqی زناشوی، معمولاً در ارتباط با مسائل شغلی و مالی اختلافات بسیاری دارند. هر دو یا یکی از آنها به مسائل شغلی و وضعیت مالی بیش‌ازحد بها می‌دهد. دخالت دادن مسائل و مشکلات کاری در روابط زناشوی نیز به وضوح در این زوجین دیده می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ در این زمینه می‌گوید: «ما تو این زمینه خیلی خیلی اختلاف داریم. همسرم با کار کردن من مشکلی نداره اما من با کار ایشون جدا مشکل دارم. هر چیزی تعادلش خوبه. نباید از حد بگذره. کار ایشون باعث شده که کمتر به خودمون و زندگیمون بپردازیم. همسرم انگار با کارش بیشتر ضمیمه تا زندگی مشترکش! انگار یجورایی به کار اعتیاد پیدا کرده. انگار داره از یه چیزایی فرار میکنه و به کار پناه میاره».

۲- **سبک ازدواج**. سبک ازدواج زوجین درگیر بی‌رmqی زناشوی نیز بسیار قابل تأمل است. سبک ازدواج این‌گونه زوجین عموماً همراه با عدم شناخت کافی قبل از ازدواج، بی‌توجهی به مسائل و مشکلات دوران آشنایی، بی‌توجهی به تضاد خانوادگی زوجین، عجله در ازدواج و نداشتن معیارهای درست و واقع‌بینانه بوده است. مصاحبه‌شونده شماره ۱ در این زمینه می‌گوید: «چون همسرم اولین خواستگار من بود احساس می‌کنم پدر و مادرم هل شده بودند. خودمم همینطور! به دلایلی فکر می‌کردم که به این سادگی خواستگار برای من نمیداد. تو دوران نامزدی می‌دیدم که یه رفتاری نشون می‌ده که معقول نیست ولی

الآن دیگه به نهایت خودش رسیده. احساس می‌کنم توی انتخاب اشتباه کردم... فکر می‌کنم ریشه همه این مشکلات خودمم که شناخت کافی ازش پیدا نکردم و گول یه سری حرفا و رفتارای خویش رو خوردم.»

د) درگیری با پیامدهای نامطلوب

پیامدهای برخاسته از بی‌رمقی زناشویی نیز در سه بعد جسمی، روانی-عاطفی و اجتماعی دسته‌بندی شد.

۱- **پیامدهای جسمی.** پیامدهای جسمی بی‌رمقی زناشویی برای زوجین، شامل دردهای عصبی، اختلال در خواب و احساس خستگی زیاد (بدون دلیل) است. مصاحبه‌شونده شماره ۲ در این زمینه می‌گوید: «گردن و سرم درد میکنه. رفتم دکتر که تشخیص داد عصبیه. خوابهای بی سر و ته و کابوسای شبانه میبینم.»

۲- پیامدهای روانی-عاطفی

۱- **پیامدهای روانی.** بی‌حوصلگی، رکود، داشتن افکار خودکشی، خودخوری و کشمکش درونی، از بین رفتن انگیزه برای ادامه زندگی و تغییر روحیه نسبت به قبل از ازدواج از جمله پیامدهای روانی فرآیند بی‌رمقی زناشویی است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ در این زمینه می‌گوید: «بدون اینکه دلیلی وجود داشته باشه استرس دارم، دلم آشوبه. حال و حوصله کارهای خونه رو ندارم. آگه از خدا نمی‌ترسیم به بلایی سر خودم می‌آورد...»

۲- **پیامدهای عاطفی.** صمیمیت و جذابیت بین زوج‌های درگیر بی‌رمقی زناشویی به‌طور کامل از بین رفته و حتی عموماً از یکدیگر متنفرند. احساس راحتی بیشتر در زمان قهر و نداشتن رابطه با همسر یکی از پیامدهای عاطفی فرآیند بی‌رمقی زناشویی است. مصاحبه‌شونده شماره ۸ در این زمینه می‌گوید: «رابطه من و همسرم پر از جنگ و جداله. هرچی می‌گذره نسبت به هم سردتر میشیم. احساس می‌کنم نسبت بهش آلرژی پیدا کردم. بعضی وقتا آرزو می‌کنم آگه بمیره چه خوب میشه. هیچ چیز و هیچ کارش برام جذاب نیست. توی یه خونه‌ایم ولی هیچ احساسی نسبت به هم نداریم. ازش نفرت دارم.»

۳- **پیامدهای اجتماعی.** زوجین درگیر بی‌رمقی زناشویی مجبور به ظاهرسازی در اجتماع هستند، آن‌ها با خانواده همسر خود رابطه ضعیفی دارند و نسبت به داشتن روابط صمیمانه و رفت و آمد با خانواده خود و خانواده همسر به شدت تبعیض قائل می‌شوند. مصاحبه‌شونده شماره ۴ در این زمینه می‌گوید: «کلاً روابط همسر با خانواده من ضعیفه. منم به خاطر رفتار و حرفای نیشدار خانواده‌اش تمایلی به رابطه با خانواده ایшон ندارم و به خاطر مشکلات خودمون معمولاً باکسی رفت و آمد نداریم.»

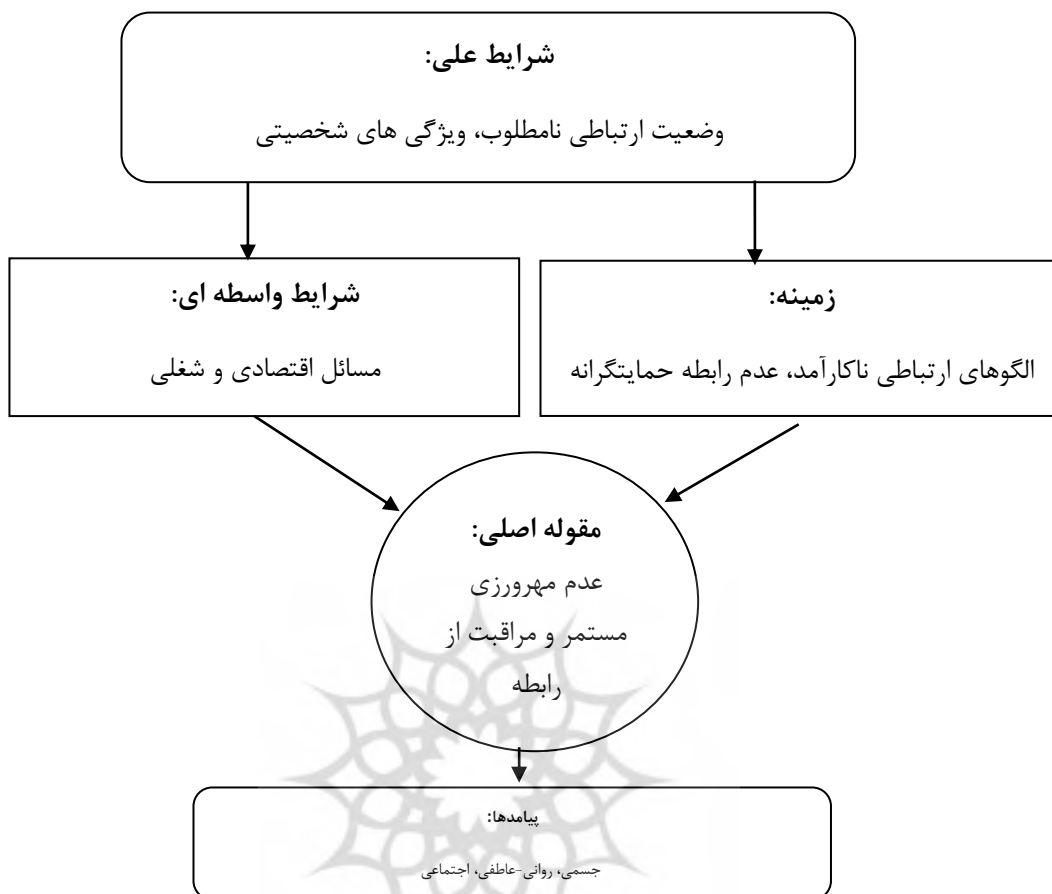
جدول صفحه بعد به اختصار کدهای محوری و کدهای باز را نشان داده شده است.

جدول ۱. کدگذاری باز و محوری یافته‌ها

مقوله‌های اصلی	مفاهیم	کدهای باز
بعد احساسی	بعد احساسی	کمتر شدن علاقه و اشتیاق زوجین نسبت به هم به‌مرور زمان، بی‌تفاوتی زوجین و کمبود توجه نسبت به هم، رابطه احساسی یکطرفه
	روابط کلامی	ارتباطات کلامی مشاخره آمیز، نداشتن محبت کلامی، ارتباط کلامی محدود به مسائل روزمره و عاری از صمیمیت، بی‌میلی نسبت به صحبت با هم، رابطه تحقیر آمیز، غر زدن و غیر دادن
همکاری و قدرشناسی	تفاهم	اختلاف‌نظر در بسیاری از زمینه‌ها از جمله باور و عقاید مذهبی یا میزان پایبندی به مذهب، مسائل سیاسی، فرزند آوری یا نحوه تربیت فرزندان، سبک زندگی، نوع پوشش، نحوه گذراندن اوقات فراغت
	همکاری و قدرشناسی	همیار نبودن همسر در تربیت فرزندان، بی‌توجهی نسبت به محبت‌های طرف مقابل و قدر دانی نکردن، وظیفه دانستن محبت‌ها و حمایت‌های همسر
ویرگی از رابطی نامطلوب	اعتماد و تعهد	ارتباط همسر با جنس مخالف و مورد خیانت واقع شدن، دروغ‌گویی همسر، عدم توجه و تعهد کافی نسبت به همسر و فرزندان، بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به هم، مشکوک بودن متقابل زوجین نسبت به هم به خاطر وجود مشکلات
	هدف و برنامه مشترک	بی‌توجهی به نیاز (علاق) خانواده در گذراندن اوقات فراغت از سمت همسر، نداشتن یا از بین رفتن علاقه مشترک، نداشتن اوقات فراغت و تفریحات خوب با هم، ایجاد اختلاف بیشتر در زمان گذراندن اوقات فراغت با هم
نحوه مدیریت تعارضات	نحوه مدیریت تعارضات	غرور دوجانبه، جداگانه غذا خوردن، حل نکردن مسائل کوچک از ابتدا و انتظار معجزه برای رفع مشکلات داشتن، مقابله‌مئل، تحمیل عقاید خود به دیگری، ترک خانه، تهدید به جدایی، تحریم روابط با دیگران، مقصر دانستن یکجانبه همسر
	حفظ استقلال خانواده	استقبال از دخالت دیگران در زندگی مشترک، دیدگاه متفاوت زوجین در رابطه با دخالت‌های دیگران در زندگی، عدم تناسب زوجین در میزان میل به استقلال در زندگی، تأثیر مشکلات در خانواده مبدأ در زندگی زناشویی
حمایت و مراقبت	حمایت و مراقبت	سکوت در برابر مورد تمسخر واقع شدن همسر توسط دیگران، چوب لای چرخ گذاشتن بجای حمایت کردن (ضربه زدن)، عدم حمایت روانی و سرزنش شدن از سمت همسر، تصور تأثیر بد دلسوزی‌ها بر همسر
	رابطه جنسی	مشکل در رابطه جنسی و حل نکردن آن، تأثیرپذیری از فی‌مل‌های پورن در رابطه جنسی علیرغم میل همسر و مقایسه همسر با بازیگران این نوع فیلم‌ها، بی‌توجهی به نیازها و رضایت همسر در رابطه جنسی، کمال طلبی بیش‌از‌حد همسر در رابطه جنسی
مسئولیت‌پذیری	مسئولیت‌پذیری	عدم مسئولیت‌پذیری همسر، بی‌خیالی و عقب‌انداختن کارها، کمتر شدن مسئولیت‌پذیری نسبت به اوایل ازدواج، بدقولی و عمل نکردن به وعده‌ها، بی‌نظمی همسر، تنبلی، عدم پایبندی به استانداردهای تعیین شده زندگی مشترک
	اعتمادبه‌نفس	شخصیت وابسته داشتن، تأثیرپذیری از نظرات و دخالت‌های دیگران، خودشیفتگی یا خود کم‌بینی یکی از زوجین، وابستگی بیش‌از‌حد به خانواده مبدأ، اهمیت دادن به تأیید دیگران
مشکلات شخصیتی	روان‌رنجوری	غیرقابل پیش‌بینی بودن همسر، بی‌ثباتی هیجانی، صورت نبودن (مقاومت کم) زوجین یا یکی از آن دو، زودرنج بودن، عدم کنترل بر رفتارها هنگام عصبانیت، تحریک‌پذیری بیش‌از‌حد
	انعطاف‌پذیری	عدم انعطاف‌پذیری، عدم انتقادپذیری، نوع نگرش همسر نسبت به تغییر، سختگیری و کمال‌طلبی نسبت به اطرافیان، عدم پذیرش همسر برای مراجعه به روانشناس و مشاور برای حل مشکلات، اهل مذاکره نبودن
عوامل تشدیدکننده	خوش‌بینی	شکاک بودن بیش‌از‌حد همسر، منفی‌نگری همسر، کینه‌ورزی، امید به زندگی کم، بدبینی نسبت به خانواده همسر
	شرایط شغلی و مسائل مالی	توجه زیاد به مسائل اقتصادی و بی‌توجهی نسبت به مشکلات خانوادگی، وارد کردن مشکلات و مسائل کاری به زندگی، دخالت در امور شغلی همسر، دور ماندن از خانواده به خاطر شغل، خستگی زیاد به خاطر کار و نداشتن اوقات فراغت خوب، حضور کم‌رنگ همسر در خانه
پیامدهای نامطلوب	سبک ازدواج	بی‌اعتنائی نسبت به مشکلات اخلاقی همسر قبل از ازدواج، پیشیمانی از انتخاب، خود کم‌بینی هنگام ازدواج، عدم شناخت کافی قبل از ازدواج، خوشبینی زیاد نسبت به همسر قبل از ازدواج (حسن فریب خوردگی)، اهمیت دادن بیش‌از‌حد به حرف دیگران در ازدواج
	روانی-عاطفی	اختلال در خواب، احساس خستگی و بیخوابی زیاد، کم‌خوابی و سردرد عصبی، دردهای عصبی، کپوس دیدن در خواب، درد معده
اجتماعی	روانی-عاطفی	بی‌میل شدن نسبت به انجام وظایف، تغییر روحیه نسبت به قبل از ازدواج (بدتر شدن)، داشتن افکار خودکشی یا تمایل به مرگ خود و همسر، ناامیدی نسبت به بهبودی روابط، از بین رفتن انگیزه برای رفع مشکلات و ادامه زندگی
	اجتماعی	ظهورسازی کردن در روابط اجتماعی، فراری شدن فرزندان از جمع خانواده، تأثیر اختلافات زوجین بر فرزندان، رابطه ضعیف با خانواده همسر و عدم تمایل متقابل زوجین نسبت به رفت و آمد با خانواده‌های مبدأ، مورد سرزنش واقع شدن از سمت خانواده همسر

مدل مفهومی

به‌طور کلی مدل مفهومی که از یافته‌های مصاحبه‌های انجام‌شده به دست آمد به شکل زیر است:



بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بی‌رمقی زناشویی فرآیندی متشکل از ویژگی‌های ارتباطی نامطلوب، مشکلات شخصیتی، عوامل تشدیدکننده و درگیری با پیامدهای نامطلوب است. با توجه به یافته‌های حاصل از کدگذاری مصاحبه‌ها، تحلیل ارتباطات زوجین شرایط نامطلوب ارتباطی شامل زیرمقوله‌هایی از جمله روابط احساسی، روابط کلامی، تفاهم، همکاری و قدرشناسی، اعتماد و تعهد، هدف و برنامه مشترک، نحوه مدیریت تعارضات و حفظ استقلال خانواده می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که صمیمیت کمتر، بی‌رمقی زناشویی بیشتری به همراه خواهد داشت. کمبود صمیمیت در بین زوجین در روابط آن‌ها مشهود است، روابطی اعم از کلامی، تفاهم، همکاری و قدرشناسی، هدف و برنامه مشترک، این نتایج با نتایج پژوهش‌های Pascoal, Narciso & Pereira (2013)، McNeil & Biers (۲۰۰۹)، عباسی و همکاران (۱۳۹۵)، زهرا کار، هزاروسی، محسن‌زاده و تاجیک اسماعیلی (۱۳۹۸) همخوانی دارد. این زوج‌ها رفتارهای مراقبتی ندارند و مشاهده شده است که دچار فقدان حمایت، بی‌توجهی و قدرشناسی هستند.

تعامل آن‌ها نیز به‌طور کلی منفی است زیرا ارتباط ناکارآمد و معیوبی دارند؛ به‌طور خاص مشهود بود که نمی‌توانند تعارضات را به‌خوبی حل و فصل کنند و نیز نیازها و خواسته‌ها و یا منظور خود را کمتر ابراز می‌کنند و در بیانگری ضعیف عمل می‌کنند.

در ارتباط با مشکلات شخصیتی نیز مصاحبه‌شوندگان به وجود مشکلاتی در مسئولیت‌پذیری، اعتماد به نفس، انعطاف‌پذیری، روان‌رنجوری و خوش‌بینی اشاره کرده و این ابعاد را مهم قلمداد کردند. در پژوهش اسماعیلی فر (۱۳۹۸) که به شناسایی عوامل زمینه‌ساز بی‌رمقی زناشویی پرداخته است، ویژگی‌های شخصیتی جزو شرایط علی این فرآیند شناخته‌شده و شناخت ذهنی ناکارآمد جزو شرایط زمینه‌ای و عوامل فشارزای بیرونی و استرس‌زا جز شرایط مداخله‌گر دانسته شده‌اند. یکی از عوامل فردی تأثیرگذار بر بی‌رمقی زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی ناسازگار هستند. در پژوهش‌های مختلف به شکل‌های متفاوت به نقش ویژگی‌های شخصیتی زن و شوهر در رابطه زناشویی پرداخته شده و همواره عامل شخصیت، عامل مهمی گزارش شده است که می‌تواند عمیقاً تأثیرگذار باشد. برای مثال Ahola (2007) گزارش نمودند که شخصیت می‌تواند میزان رضایت افراد از زندگی زناشویی را تعدیل نماید. در پژوهش اسماعیلی فر (۱۳۹۸) ویژگی‌های شخصیتی مؤثر در فرآیند بی‌رمقی زناشویی همچنان خواهی مفراط، خودمحوری، عزت‌نفس پایین و توانمندی ضعیف از مصاحبه‌ها به‌دست آمده بود و نتایج در این زمینه با پژوهش حاضر تا حدی همخوانی دارند. به‌طور مجزا یافته‌های مرتبط با ویژگی‌های شخصیتی مؤثر بر بی‌رمقی زناشویی بر پنج مقوله محوری شخصیت تأکید دارند که نتایج این بخش نیز با پژوهش‌های McCery & casta (1989)، شاکریان، فاطمی و فرهادیان (۲۰۱۱)، گوهری (۱۳۹۵) همسو است. شخصیت به دو صورت بر روابط زناشویی تأثیر می‌گذارد؛ تأثیر فردی و دوجانبه. در تأثیر فردی ویژگی‌های شخصیتی فرد بر رضایتمندی خود از روابط زناشویی تأثیر می‌گذارد و در تأثیر دوجانبه، ویژگی‌های شخصیتی همسر بر رضایتمندی از رابطه تأثیر می‌گذارد (کوهی، اعتمادی و فاتحی زاده، ۲۰۱۴). در تبیین رابطه روان‌رنجورخویی و بی‌رمقی زناشویی می‌توان این‌گونه استدلال کرد که افراد روان‌رنجور تمایل به هیجان‌پذیری منفی دارند. در واقع زودرنجی، دمدمی‌مزاج بودن و بلا تکلیفی این افراد در موقعیت‌های بحرانی، زوجها را در یک دور باطل تعاملات منفی گرفتار می‌سازد که به علت استفاده افراد روان‌رنجور از راهکارهای اجتناب و واکنش‌های هیجانی شدید این تسلسل ممکن است باعث ایجاد تعارضات و به تبع آن بی‌رمقی زناشویی شود (سادتی و همکاران، ۲۰۱۵). از آنجا که نقطه مقابل روان‌رنجوری، برونگرایی است باید گفت که افراد برونگرای اجتماعی، دوستدار دیگران، پرهیجان و قاطع در عمل و گفتار هستند و تمایل زیادی به فعالیت‌های گروهی دارند. با توجه به اینکه این ویژگی توانایی پیش‌بینی بی‌رمقی زناشویی را دارد و با توجه به این مسئله که عامل برونگرایی با تعاملات اجتماعی سروکار دارد، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که زوجینی که روابط بین

فردی کمتری دارند و توجه چندانی به هم اعمال نمی‌کنند، هنگامی که در رابطه زناشویی دچار مشکلی می‌شوند، آسیب‌پذیرتر بوده و دچار بی‌رمقی می‌شوند (کوهی و همکاران، ۲۰۱۴). در رابطه با ویژگی انعطاف‌پذیری و تأثیر آن در ایجاد بی‌رمقی زناشویی می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که افرادی که دارای این ویژگی هستند نسبت به افراد دارای ذهن بسته، هیجان‌های مثبت و منفی را با شدت بیشتری تجربه می‌کنند. این افراد توانایی درک همسر و همدردی با وی را به‌صورت بهتری اعمال می‌کنند که موجب می‌شود ازدواجشان رو به خستگی و بی‌رمقی کمتری گرایش پیدا کند (نادری، افتخار و عموزاده، ۲۰۱۱).

پژوهشگر این عامل را تحت عنوان فقدان رفتارهای مراقبتی صورت‌بندی نمود که با نتایج پژوهش‌های Lemay (2014) و Rook, August, Choi, Franks & Stephens (2016) در یک راستا قرار می‌گیرد.

روابط جنسی یکی از مهم‌ترین رفتارهای بین زوجین است و درصد بسیاری از طلاق‌ها به علت ناتوانی در کمیت و کیفیت رابطه جنسی بین زوجین است (بخشایش و مرتضوی، ۲۰۱۰). در پژوهشی که در سال ۲۰۱۳ توسط اسدی و همکاران انجام گرفت، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که باور داشتن به اینکه روابط جنسی کارکرد مطلوبی ندارد و به‌خوبی تحقق نمی‌پذیرد موجب دل‌زدگی از روابط زناشویی می‌شود. در واقع رابطه زناشویی مهم‌ترین منبع در کسب لذت، آرامش و صمیمیت است. حال اگر زن و شوهر در این مقوله بتوانند برای همدیگر ایجاد لذت و آرامش کنند و در واقع به صمیمیت جنسی متقابل دست یابند بر رضایت از زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و احساس بی‌رمقی زناشویی بین آن‌ها کاهش می‌یابد.

در این پژوهش، با توجه به نظرات مصاحبه‌شوندگان شرایط واسطه‌ای و تأثیرگذار بر فرآیند بی‌رمقی زناشویی، شرایط مالی و شغلی و سبک ازدواج هستند. همواره باید در بررسی پدیده‌های روانی، نقش عوامل بافتی را نیز مدنظر داشت زیرا انسان در خلأ، زندگی نمی‌کند بلکه در محیط متولد می‌شود و در محیط ادامه حیات می‌دهد. پژوهشگر نیز مشاهده نمود که عوامل بافتی در پدیده بی‌رمقی زناشویی تأثیرگذارند. یکی از عوامل بافتی، عوامل فشارزای بیرونی هستند. می‌دانیم که محیط زندگی اجتماعی مملو از تغییر و تحولات گوناگون است که می‌توانند فشارها و تنش‌های زیادی به زوج وارد کنند و زندگی زناشویی را برای آن‌ها دشوار و خسته‌کننده سازند. حاتمی‌ورزنه و همکاران (۱۳۹۵) نیز مشکلات شغلی و مالی و ساعات کاری زیاد را از عوامل ناپایداری ازدواج گزارش نمودند و بی‌رمقی شغلی را یکی از عوامل مؤثر بر بی‌رمقی زناشویی در زوج‌های هر دو شاغل دانستند. به‌جز این، مشکلات اقتصادی نیز در زوج‌های دچار بی‌رمقی به‌وفور مشاهده می‌شود و زمینه بی‌رمقی را فراهم می‌کند. موضوع دیگر مربوط به این است که زوج تحت فشار مالی باشند. در این وضعیت احتمالاً رفاه کمی دارند و کیفیت زندگی در وضعیت مطلوبی نیست و علاوه بر این استرس و تنش ناشی از فشارهای مالی را نیز تجربه می‌کنند (Booth, 2010).

در پژوهش اسماعیلی فر (۱۳۹۸) شناخت ذهنی ناکارآمد همراه با ویژگی‌های شخصیتی تشکیل عوامل فردی مؤثر در این فرآیند را می‌دهند که این مقوله در پژوهش حاضر تا حد زیادی با مقوله سبک ازدواج همخوانی دارد؛ بنابراین یافته‌ها، شناخت‌ها در زندگی زناشویی نیز نقش زیادی دارند و اگر ناکارآمد باشند، می‌توانند موجب عدم موفقیت در ازدواج شوند، یکی از عوامل مؤثر در ازدواج‌های ناموفق، نگرش نادرست نسبت به فرآیند ازدواج است (کرمی بلداجی و همکاران، ۱۳۹۳). پژوهش‌های مختلف مؤید اهمیت و تأثیرگذاری شناخت‌ها در بی‌رمقی زناشویی هستند. در این مورد می‌توان به مطالعات حاتمی-ورزنده و همکاران (۱۳۹۵)؛ رجانی، عزیزی، نائمی، امیری، جاویدان و حسینی (۲۰۱۶) و اسدی و همکاران (۲۰۱۶) اشاره نمود. پژوهشگر در ضمن مصاحبه با نمونه مورد مطالعه متوجه شد که زوج‌های دچار بی‌رمقی مجموعه‌ای از باورهای ارتباطی ناکارآمد و انتظارات غیرواقع‌بینانه دارند. این امر می‌تواند میزان هیجانات منفی موجود در رابطه را افزایش دهد و خشم، تنفر، احساس بی‌ارزشی، افسردگی و اضطراب را به وجود آورد (اسدی و همکاران، ۲۰۱۳) و بدین ترتیب زمینه را برای بی‌رمقی آماده‌تر کند. همچنین، هر فردی با مجموعه‌ای از انتظارات وارد زندگی زناشویی می‌شود و اینکه همسران از هم انتظاراتی داشته باشند، طبیعی و امری مسلم است. در واقع حتی می‌توان گفت همه زوج‌ها ممکن است انتظاراتی داشته باشند که غیرواقع‌بینانه باشد. ولی چیزی که تفاوت ایجاد می‌کند، این است که زوج‌های دچار بی‌رمقی به طور محسوسی، میزان بیشتری از انتظارات غیرواقع‌بینانه را دارند. به نظر کشاورز افشار و همکاران (۱۳۹۱) نیز همه زوج‌ها اعم از زوج‌های آشفته، مطلقه و راضی در جاتی از انتظارات غیرواقع‌بینانه دارند و البته تفاوت این زوج‌ها در میزان تأکید روی این انتظارات است.

پیامدهای به‌دست آمده از کدگذاری مصاحبه‌ها در ارتباط با بی‌رمقی زناشویی شامل پیامدهای جسمی، روانی-عاطفی و اجتماعی است. پیامدهای جسمی، عاطفی و روانی به‌دست آمده در این پژوهش با پژوهش‌های (1998) pines، (2003) Lingern، Deniz & Sirin (2016) و پناهی و همکاران (۱۳۹۶) تا حد زیادی همپوشانی دارد، اما پیامدهای اجتماعی نیز در این پژوهش مطرح شده‌اند که دلیل آن می‌تواند سؤالات مطرح شده در این زمینه و در فرآیند مصاحبه باشد. از جمله پیامدهای دیگر ذکر شده در این زمینه، نبود رشد و بالندگی در روابط این‌گونه زوجین است که در پژوهش اسماعیلی فر (۱۳۹۸) مطرح شده است. به‌طور کلی مدل مفهومی پژوهش حاضر که از تحلیل و بررسی روایت‌های زندگی مشترک مشارکت-کنندگان شکل گرفت، نشان داد که بی‌رمقی هیجانی فرآیندی است که متأثر از سبک ازدواج، ویژگی‌های ارتباطی نامناسب، مشکلات شخصیتی، عوامل تشدیدکننده اقتصادی و شغلی است که از قبل از ازدواج و با توجه به سبک ازدواج و نحوه انتخاب همسر تا چگونگی تعاملات و مهارت‌های زناشویی را در برمی‌گیرد. نکته قابل توجه این است که هیچ‌کدام از این عوامل به‌تنهایی منجر به شکل‌گیری بی‌رمقی در روابط زوجین

نمی‌شود، بلکه تعامل مجموعه‌ای از شرایط و عوامل با خلأ شناختی و عدم مهارت زوجین در رابطه، باعث شکل‌گیری این پدیده می‌شود. مقوله محوری عدم مهرورزی مستمر و مراقبت از رابطه نیز نشان می‌دهد که رابطه زناشویی، رابطه‌ای است که به مهرورزی طرفین نیاز دارد و از این مسیر تغذیه می‌شود.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

در پژوهش حاضر، نمونه موردبررسی به روش هدفمند و تنها از افراد درگیر بی‌رمقی زناشویی در شهر تهران تأمین‌شده و معرف کل زنان و مردان متأهل ایرانی و مسائل موجود در روابط آن‌ها نبوده است و مبنای داده‌ها روایت مشارکت‌کنندگان از زندگی شخصی خود است، بنابراین، در تعمیم نتایج آن باید احتیاط صورت گیرد. جهت کاهش و جلوگیری از ایجاد بی‌رمقی زناشویی در رابط بین زوجین، در ادامه راهکارهایی ارائه می‌گردد: برگزاری کارگاه‌های آموزشی در راستای ارتقای مهارت‌های همسرداری، شیوه‌های برقراری تعامل مفید و سازنده با همسر خصوصاً در ارتباط با روابط جنسی سالم و رضایت‌بخش و افزایش آگاهی زوجین نسبت به نیازهای یکدیگر و چگونگی پاسخ‌دهی مناسب به آن‌ها، الزام زوجین به مشاوره‌های قبل از ازدواج و دادن آگاهی‌های لازم به خانواده‌ها در خصوص پیامدهای ازدواج نادرست، اشاعه فرهنگ استفاده از خدمات مشاوره و مددکاری اجتماعی از طریق توسعه خطوط تلفنی کمک‌فکری و بحران یا راه‌اندازی مراکز مشاوره رایگان در راستای ارتقای کیفیت زندگی و بهداشت روانی زوجین، کاهش تعارضات، اختلافات زناشویی و خشونت‌های خانگی و مشاوره با زوجین و آگاهی دادن به آنان از طریق وسایل ارتباط جمعی که در صورت بروز مشکل با این خطوط تماس بگیرند و یا به مراکز مشاوره مراجعه نمایند.

تصریح درباره عدم تناقض منافع. نویسندگان پژوهش حاضر متعهد می‌شوند که این پژوهش هیچ‌گونه ناهمسازی منافی ندارد و نتایج آن فاقد هرگونه منفعت اقتصادی برای نویسندگان بوده است.

تقدیر و تشکر. این پژوهش برگرفته از رساله دکتری مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه با عنوان «مطالعه کیفی عوامل مؤثر بر فرسودگی زناشویی؛ ارائه یک مدل بومی (مطالعه موردی تهران بزرگ)» بود. لازم است کمال قدردانی و سپاس خود را از مشارکت‌کنندگان داشته باشیم.

منابع

- اسماعیلی فر، ندا؛ جایروند، حمدالله؛ رسولی، محسن و حسنی، جعفر. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل زمینه ساز فرسودگی زناشویی. پژوهش‌نامه زنان، ۱۰(۲۷)، ۲۵-۵۱. [[link](#)]
- پاداش، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر کیفیت زندگی بر رضایت زناشویی همسران شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته مشاوره خانواده. دانشگاه اصفهان. [[link](#)]

پناهی، مریم؛ کاظمی، شبنم؛ عنایت‌پور، مهدیه و رستمی، مهدی. (۱۳۹۶). اثربخشی زوج‌درمانی رفتاری -تلفیقی بر کاهش دل‌زدگی زناشویی و ترس از صمیمیت زوجین. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۱۱(۳ پیاپی ۴۳): ۳۷۳-

[link].۳۹۲

جهانی دولت‌آبادی، اسماعیل. (۱۳۹۶). تبیین نظری تعارضات زناشویی با رویکرد پارادایمی. *خانواده پژوهی*،

[link].۱۳۱-۱۰۹:(۴۹)۱۳

حاتمی ورزنده، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه و برجعلی، احمد. (۱۳۹۵). ارائه الگوی ازدواج پایدار رضایتمند: یک

تئوری گراندد تئوری. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. ۶: ۱۴۱-۱۴۹. [link]

حسینی بیرجندی، سید مهدی. (۱۳۹۶). *مشاوره در آستانه ازدواج*. تهران: انتشارات آوای نور. چاپ پنجم. [link]

دلاور، علی. (۱۳۹۸). *احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی (با تجدیدنظر و اضافات)*. تهران:

انتشارات رشد. [link]

زهره کار، کیانوش؛ هزاروسی، بهرام؛ محسن زاده، فرشاد و تاجیک اسماعیلی، عزیز الله. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل زمینه‌ساز طلاق هیجانی در بافتار فرهنگی اجتماعی شهر کرج. *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. دوره نهم.

شماره اول. [link]

کرمی بلداجی، روح‌الله؛ ثابت زاده، ماجده؛ زارعی، اقبال و صادقی فرد، مریم. (۱۳۹۳). اثربخشی مشاوره گروهی به شیوه عقلانی عاطفی رفتاری بر نگرشهای ناکارآمد همسرگزینی دختران و پسران. *پژوهشهای علوم شناختی رفتاری*. ۴: ۱۷۱-۱۸۸. [link]

کشاورز افشار، مصطفی؛ گراوند، عالیه و احمدی، احمد. (۱۳۹۲). تاثیر آموزش شناختی - رفتاری گروهی بر انتظارات زناشویی زنان و مردان متأهل شهرستان کوههدشت. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. شماره ۳(۴):

[link].۶۴۰-۶۱۳

گوهری، شیوا؛ زهره کار، کیانوش؛ نظری، علی محمد و سلیمی، هادی. (۱۳۹۵). پیش‌بینی فرسودگی زناشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت جنسی در پرستاران زن متأهل در بیمارستان‌های منتخب خصوصی

تهران. *مجله مراقبت‌های پیشگیرانه در پرستاری و مامایی*. ۶(۳): ۵۹-۷۰. [link]

References

- Ahola, K. (2007). *Occupational burnout and health*. Helsinki, Finland: Finnish Institute Occupational Health. [link]
- Asadi, E., Mansour, L., Khodabakhshi Kolahi, A., & Fath Abadi, J. (2013). The Relationship between Couple Burnout, Sexual Assertiveness, and Sexual Dysfunctional Beliefs in Women Diabetic Husbands and Comparing Them with Non-Diabetic Husbands. *J Fam Res*, 9 (3): 24-311. [link]

- Bakhshayesh, A. R., & Mortazavi, M. (2010). The relationship between sexual satisfaction, general health and marital satisfaction in coples. *J Appl Psycol*, 3(4): 73-85. [[link](#)]
- Booth, H. (2010). Ethnic differentials in the timing of family formation: A case study of the complex interaction between ethnicity, socioeconomic level, and marriage market pressure. *Demographic Research*, 23, 153. [[link](#)]
- Fellows, K.J., Chiu, H.Y., Hill, E.J., & Hawkins, A.J. (2016). Work–family conflict and couple relationship quality: a met-analytic study. *Journal of Family and Economic Issue* :37(4):509-18. [[link](#)]
- Huston, TL. (2009) Whats Love got to do with it? Why some marriages succeed and others fail. *Personal Relationships*, 16(3) :301-327. [[link](#)]
- Koohi, S., Etemadi, O., & Fatehizade, M. (2014). The Relationship between Personality Characteristics, General Health, Contextual Factors, and Marital Dissatisfaction of Couples. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*, 4(1): 71-84. [[link](#)]
- Lemay, E. P., & Neal, A. M. (2014). Accurate and biased perceptions of responsive support predict well-being. *Motivation and Emotion*, 38(2), 270-286. [[link](#)]
- Lingern, H. G. (2013). *Marriage burnout*. From [http:// she knows. Com](http://sheknows.com). [[link](#)]
- McNeil, S. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R. (2014). Does spousal support moderate the association between perceived racial discrimination and depressive symptoms among African American couples?. *Family process*, 53(1), 109-119. [[link](#)]
- Naderi, F., Eftekhar, Z., & Amolazade, S. (2011). Relationship between personality trait with intimate partner relationship in women with addicted husbands. *J Women & Culture*, 3(9): 83-98. [[link](#)]
- Neff, L. A., & Geers, A. L. (2013). Optimistic Expectations in Early Marriage: A Resource or Vulnerability for Adaptive Relationship Functioning? *Journal of personality and Social Psychology*, 105(1): 60-38. [[link](#)]
- Pascoal, P. M., Narciso, I., & Pereira, N. M. (2013). Emotional intimacy is the best predictor of sexual satisfaction of men and women with sexual arousal problems. *International journal of impotence research*, 25(2), 51. [[link](#)]
- Pines, A. M., Neal, M. B., Hammer, L. B., & Icekson T. (2011). Job burnout and couple burnout in dual- earner couples in the Sandwicheed generation. *Social Psychology Quarterly*, 74, 361–86. [[link](#)]
- Pines, AM. (2004). Adult attachment styles and their relationship to burnout: a preliminary, Cross-cultural investigation. *Work and stress*. 18(1) 66-80. [[link](#)]
- Pines, A, M. Neal, M, B. Hammer, L, B., & Icekson, T. (2011). Job burnout and couple burnout in dual-earner couples in the sandwicheed generation. *Social Psychology Quarterly*; 74(4):361-86. [[link](#)]

- Rook, K. S., August, K. J., Choi, S., Franks, M. M., & Stephens, M. A. P. (2016). Emotional reactivity to daily stress, spousal emotional support, and fasting blood glucose among patients with type 2 diabetes. *Journal of Health Psychology, 21*(11), 2538-2549. [[link](#)]
- Sirin, H. D., & Deniz, M. (2016). The Effect of the Family Training Program on Married Women's Couple-Burnout Levels. *Educational Sciences: Theory and Practice; 16*(5):1563-85. [[link](#)]
- Rajani, A. A., Azizi, L. S., Naeemi, S., Amiri, A. A., Javidan, M., Abad, H. D. G., & Hosseini, K. (2016). The effect of cognitive behavioral couple therapy on reduction of marital conflicts and burnout of couples. *Turkish online Journal of Design Art and Communication, 6*, 1649-1655. [[link](#)]
- Shakerian, A., Fatemi, A., & Farhadian, M. (2011). A survey on Relationship between Personality Characteristics and Marital satisfaction. *SJKU, 16*(1): 92-99. [[link](#)]
- Willoughby, B.J. (2013). Marital attitude trajectories across adolescence. *Journal of Youth and Adolescence, 39*: 1305-1317. [[link](#)]

References (In Persian)

- Delavar, A. (2020). Probability and Applied Statistics in Psychology and Educational Sciences. Tehran: Roshd Publications. [[link](#)]
- Gohari, S., zahrakar, K., Nazari, A, M., salami, H. (2016). Prediction of marital burnout based on personality traits and sexual intimacy in married woman nurses in selected private hospitals in Tehran, 6 (3):59-70 URL: <http://zums.ac.ir/nmcjournal/article-1-314-en.html>. [[link](#)]
- Hatami Varzaneh, A., Esmaeily, M., & Borjali, A. (2017). Long term satisfied marriage model: A grounded theory study. *Family Counseling and Psychotherapy, 6*(1), 120-149. [[link](#)]
- Hosseini Birjandi, S.M. (2017). Counseling on the verge of marriage. Tehran: Avai Noor Publications. Fifth Edition. [[link](#)]
- Jahani Dolatabad, E. (2017). A Theoretical Explanation of Marital Conflicts by Paradigmatic Approach. *Journal of Family Research, Vol. 13, No. 1*. [[link](#)]
- Karami boldaji, R., Sabetzadeh, M., Zarei, E., & Sadeghifard, M. (2015). Effectiveness of Rational- Emotive- Behavior Group Counseling (REBT) on Irrational Attitudes about Spouse Selection in Girls and Boys. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences, 4*(2), 171-188. [[link](#)]
- KeshavarzAfshar, H., Geravand, A., & Ahmai, A. (2014). The Effect of Cognitive-Behavioral Group Training on Marital Expectations of Married Males and Females of Kouhdasht City. *Family Counseling and Psychotherapy, 3*(4), 641-661. [[link](#)]

- Padash, Z. (2012). The Effectiveness of Quality of Life Therapy on Marital Satisfaction of Isfahan Spouses. Master thesis. Family counseling. University of Esfahan. [\[link\]](#)
- panahi, m., kazemi jamarani, sh., Enayatpour Shahrabaki, M., & rostami, M. (2017). Effectiveness of integrative behavioral couple therapy on reducing marital burnout and fear in couples of intimacy. *Quarterly of Applied Psychology*, Vol. 11, No. 3. [\[link\]](#)
- Smaeeli Far, N., jayervand, H., rasoli, M., HASANI, J. (2019). A Grounded-Theory Study of the Underlying Factors of Couple Burnout. *Women Studies*, 10(27), 25-51. [\[link\]](#)
- Zahrakar, K., Hezarosi, B., Mohsanzade, F., & Tajikesmaaili, A. (2019). Underlying factors of emotional divorce in socio_ cultural context of Karaj. *Family Counseling and Psychotherapy*, 9(1), 125-142. [\[link\]](#)

